

« بسم الله الرحمن الرحيم »

کارگاه فرهنگی - آموزشی

## «تبیین حقوق شهروندی»

سخنران: دکتر حسین فرزانه پور

عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی و معاون فرهنگی و اجتماعی دانشگاه

جلسه اول: یکشنبه ۶ شهریور ماه، ساعت ۱۰ الی ۱۲

تعداد حاضرین: ۱۴۰ نفر

### گزارش:

مقدمه

#### حقوق شهروندی (کلیات و مفاهیم)

حقوق فردی و آزادی های عمومی جزء شروط پایه ای حکومت های مردم سالار جدید است. به زبانی دیگر زمانی همه مردم می توانند در شکل گیری رژیم ها و حکومت ها مداخله داشته باشند که از این حقوق حداقل برخوردار باشند.

#### جایگاه و اهمیت حقوق شهروندی

امروزه شاخص حقوق شهروندی به عنوان یکی از شاخص های مهم در توسعه کشور محسوب می شود.

به طور کلی حقوق شهروندی یک عنوان فانتزی و تجملی نیست بلکه یک ضرورت است

- بر همین اساس منشور حقوق شهروندی در دولت یازدهم به عنوان یک مطالبه عمومی توسط رئیس جمهور ابلاغ شد.

- در دولت دوازدهم نیز بنا بر اجرای حقوق شهروندی و ارتقاء آن است.

حقوق به عنوان یکی از شاخص های مهم در توسعه کشورها برشمرده شد و وجود حداقلی حقوق برای مردم، لازمه استمرار حکومت ها دانسته شد. حتی حکومت های استبدادی و دیکتاتوری تلاش می کنند خود را جزو حکومت هایی تلقی کنند که رعایت حقوق شهروندی در آن امر پذیرفته شده ای باشد. حقوق شهروندی یک کل مشکک است که از آن می توان استفاده های متعددی کرد و رعایت آن دو جهت دارد ۱- حکومت نسبت به مردم ۲- مردم نسبت به حکومت. همانگونه که در نامه های حضرت علی (ع) حقوق متقابل مردم و حاکم بیان شده است.

یکی از سیزده چالش اساسی کشور مقوله حقوق شهروندی است بر همین اساس رئیس جمهور با تدوین منشور حقوق شهروندی قصد دارد که حقوق بشر و حقوق شهروند را تجمیع نماید. بنابراین دستگاههای اجرایی را برای عملی ساختن این منشور بسیج نموده است.

#### محورهای مهم حقوق شهروندی

الف- ضرورت آموزش حقوق شهروندی

ب- میز خدمت: هدف از ایجاد میز خدمت سلامت و سرعت کارهای اداری مردم است.

ج- تدوین حقوق شهروندی اقشار مختلف از جمله کارمندان، کشاورزان، فرهنگیان و.....

د- ارتقاء شاخص اعتماد اجتماعی

ه- اعطای مسئولیت اجرایی به زنان، جوانان، و اقلیت ها

## آبشخور تاریخی حقوق شهروندی

## الف - دوره باستان

در میان ملل باستان بویژه یونانیان اندیشه حقوق فطری نخست توسط فلاسفه و اندیشمندان بیان گردید: زیرا از همان ادوار کهن باور اصلی این بود که حقوقی وجود دارد برتر و والاتر از کلیه قواعد و مقرراتی که بر حسب نیاز زمان و مکان وضع می شود و سر رشته این حقوق برتر، وابسته به فطرت و طبیعت انسان است.

حقوق فطری، همانگونه که از نام آن پیداست ثمره طبیعت انسان و همزاد با فرد انسانی است و لذا، سرشت قواعد و الزامات آن سوای قواعد و موازین حقوق موضوعه است.

یونانیان در این باب مباحثی مستوفی عنوان کرده مروج این فکر بودند که جهان هستی از نظمی مبتنی بر عقل پیروی می کند. افلاطون می نویسد: "عقلا باور دارند که زمین و آسمان و خدایان و انسانها همگی با رشته نامرئی احترام به نظم، میانه روی و کردار عاقلانه به یکدیگر پیوسته اند و به همین دلیل است که نام جهان هستی را نظم و احوال نهاده اند نه بی نظمی و بی قاعده گی."

ارسطو در کتاب اخلاق نیکو ماخوس دو گونه عدالت را از یکدیگر متمایز می کند: ۱- عدالت فطری ۲- عدالت قانونی حقوق و آزادی ها در روم؛ اندیشه حقوق فطری به جامعه رم نیز سرایت کرد و در میان متفکران آن دیار هوادارانی یافت. سیسرون در اثر معروف خود زیر عنوان جمهوریت نوشت: قانونی واقعی مبتنی بر عقل سلیم و موافق با طبیعت که در همه جا نافذ و ثابت و جاویدان است وجود دارد که باید به فرامین آن گردن نهاد. این قانون منبعث از نهاد الهی است.

- به طور کلی حقوق انسان شامل قواعد و نهادهایی است که از حیث اصول کلی نزد همه ملل به گونه ای یافت می شود و این امر خود دلیل سازگاری آن با فطرت انسانی است.

## ب- ارمغان مسیحیت

- الهیون مسیحی و حقوقدانان کلسیا بینشهای خود را از سنن ملل باستانی اخذ کرده اند به باور این الهیون عقل الهی حاکم بر نظم جهان هستی است. مفهوم خدا در این بینش جای مفهوم طبیعت را گرفته است و حقوق طبیعی به احکام و قواعدی اطلاق می گردد که دین به اجرای آن فرمان می دهد.

- در فرامین گراتین که در قرن دوازدهم میلادی صادر شده، چنین می خوانیم: "نوع بشر زیر سیطره دو حکومت است: حقوق طبیعی و رسوم و عادات. حقوق طبیعی همان محتوای کتب آسمانی یعنی تورات و انجیل است، انجیل به مردم سفارش می کند که کاری کنند که میل دارند همان کار در مورد خودشان انجام شود"

- سن توماس داکن در جامع الهیات خود سه مقوله حقوق را مشخص می کند:

۱- حقوق الهی که ناشی از پروردگار عالمیان است و اصول و احکام آن از سوی ذات باری یا بواسطه پیامبرانش اعلام شده است

۲- حقوق فطری که این هم ریشه در حقوق الهی دارد لکن به واسطه عقل بر انسان مکشوف می گردد.

۳- حقوق بشری یا حقوق موضوعه که افراد انسانی به منظور حل و فصل مسائل فردی و ایجاد انتظام در معضلات اجتماعی، وضع و اجرا می کنند و بر حسب میل خود با توجه به شرائط و کیفیات به تغییر یا تعویض یا اصلاح آن می پردازند.

از نظر این الهیون، اگر میان حقوق فطری و حقوق موضوعه تعارض حاصل شود باید قواعد حقوق موضوعه را از هرگونه ارزش اجرایی تهی دانست. سن توماس داکن می گوید: قوانین ظالمانه ای که در جهت مخالف منافع افراد باشند، قانونی نیستند و کسی نباید از آنها اطاعت کند.

## ج- نوآوریهای قرون هفدهم و هیجدهم

مقارن با نهضت دین پیرایی و نوزایش این اندیشه کم کم نضج گرفت و تعمیم یافت که آدمی به معنای اجل مخلوقات قادر است با ابزار خرد، اراده الهی را بشناسد و از غیر آن تمیز دهد و همچنین می تواند خود قواعد مناسب حکومت و سازمان بخش جوامع بشری را وضع کند.

گروسوس هلندی حقوقدان قرن هفدهم در کتاب معروف خود بنام جنگ و صلح نوشته بود: " خداوند به کار مخلوقات کاری ندارد."

در میان برجستگان بشمار قرون هفدهم و هیجدهم که متعرض حقوق طبیعی شده اند نام دو نفر بیشتر از دیگران خود نمایی می کند:

۱- توماس هابز: هابز در کتاب لویاتان انسان را در حالت طبیعی با شیوه ای بد بینانه ارزیابی و نقادی کرده " انسان را گرگ انسان" می دانست و می گفت هر کس به قدرت برسد و توانایی اعمال آن را به دست آورد حاضر است آن را علیه دیگران به کار ببرد. سرشت طبیعی انسان

فرد را به سوی کردار بد و خودخواهانه می کشاند. چون دیگران نیز به آسانی حاضر نیستند یوغ ستم صاحب قدرت را بر گردن نهند، لذا همیشه جنگ و مبارزه بین افراد به راه می افتد.

تنها یک قرارداد اجتماعی است که می تواند جلوی هرج و مرج و آدم کشی و تعدی را بگیرد. طبق این قرارداد هرکس سهم حاکمیت خود را به فرمانروا می بخشد و از استقلال خود که مولود طبیعت است چشم می پوشد و به فرمانروا می سپارد تا فرمانروا نظم و قاعده ای را در رابطه بین افراد و افراد با جامعه وضع و اجرا کند.

۲- ژان ژاک روسو: روسو به عکس هابز انسان را در حالت طبیعی و رها از هرگونه قید و بند اجتماعی موجودی خوب و سالم می پندارد که از مفاسد و معایب و شرارت مبری است. اما چون الزاما باید به حاکمیت جامعه تن در دهد بر اساس میثاقی که او نام آن را " قرارداد اجتماعی " می گذارد سهم خود را به شهریار و فرمانروا می بخشد. به زبان دیگر، صاحبان اصلی حاکمیت یا مردم سهم حاکمیت خود را طی قراردادی به فرمانروا اعطا می کنند، اما باید از نوعی حقوق برخوردار باشند تا آنان را در برابر خودسری و استبداد فرمانروا نگرهبانی کند. لذا اصل احترام به حقوق فردی یکی از اصول نخستین صورت بندی این اندیشه به شمار می آید.

بنابراین، حقوق طبیعی، در میان ملل باستانی پایه گذاری شد و در قرون وسطی توسط الهیون و حقوقدانان کلیسایی آب و رنگ مذهبی گرفت. در قرون هفدهم و هیجدهم به وسیله بزرگانی همچون هابز و لاک و روسو و منتسکیو و دایره المعارف نویسانی مثل دیدرو و دالامبر طوری ارائه شد که به ویژه در قرن بیستم و مخصوصا پس از جنگ جهانی در همه جای جهان به صورت امری بدیهی در آمده است. اندیشه حقوق طبیعی افراد زمانی تحقق عینی یافت که اعلامیه های حقوق در کشورهای مختلف ظاهر شدند. این اعلامیه ها پیش از هر چیز قانونگذاران را ملزم می کردند که قدرت حکومت را در مرزهای حقوق افراد متوقف گردانند و حرمت قلمرو حقوق فردی و آزادی های عمومی را در جهت سعادت انسانها تضمین کنند.

### مهمترین اعلامیه های حقوق عبارتند از:

۱- در کشور انگلستان، ابتدا در دوازده ژوئن ۱۲۱۵ " منشور کبیر " توسط پادشاه وقت انگلستان صادر شد. سپس در ژوئن ۱۶۲۸ مصوبه حقوق و اصل مشروط بودن توقیف افراد در سال ۱۶۷۹ تصویب نامه حقوق در سیزدهم فوریه ۱۶۸۹ " اعلامیه های رسمی " در تحول نظام حکومتی بریتانیا و حقوق عمومی این کشور نقش دست اول ایفا کردند.

اندیشه حقوق طبیعی افراد زمانی تحقق عینی یافت که اعلامیه های حقوق در کشورهای مختلف ظاهر شدند. این اعلامیه ها پیش از هر چیز قانونگذاران را ملزم می کردند که قدرت حکومت را در مرزهای حقوق افراد متوقف گردانند و حرمت قلمرو حقوق فردی و آزادی های عمومی را در جهت سعادت انسانها تضمین کنند.

۲- هنگام استقلال امریکای شمالی نخست مجلس ایالت ویرجینیا در دوازده ژوئن ۱۷۷۶ نخستین اعلامیه حقوق به معنای مدرن کلمه را به تصویب رساند. تا اینکه در سال ۱۷۹۱ ده اصلاحیه به قانون اساسی امریکا افزوده شد و حقوق فردی و آزادی های عمومی در آن اصلاحیه ها مشروحا قید گردید.

۳- بعد از نمایان شدن طلیعه انقلاب کبیر فرانسه، نخستین سندی که از حیث انشاء حقوق فردی و طبیعی و به لحاظ شیوه زیبای نگارش و کلیت و عمومیت آن شهرت جهانی یافت، اعلامیه حقوق بشر و شهروند مصوب ۲۶ اوت ۱۷۸۹ بود که بعدا به عنوان دیباچه ای بر اولین قانون اساسی انقلابی این کشور مصوب ۱۷۹۱ افزوده گردید.

در مقدمه این اعلامیه می خوانیم: " نمایندگان مردم فرانسه که در مجلس ملی گرد هم آمده اند، با این باور که عدم شناسایی، فراموشی یا تحقیر حقوق انسانها، تنها علل نگون بختی مردم و فساد می باشند، تصمیم گرفتند که حقوق مستدام و مقدس انسان را در یک منشور رسمی بیان کنند. تا همواره در پیش روی مسئولان قرار داشته حقوق و تکالیف شان را به یاد آورد، تا بتوان اعمال قوه مقننه و مجریه را در هر زمان با نهاد های سیاسی انطباق داد و محترم شمرد و خواست های شهروندان را پیوسته بر اساس اصول ساده و تعرض ناپذیر، در جهت حفظ قانون اساسی و سعادت همگانی راهبری کرد."

۴- بالاخره تحول اعلامیه ها و ضمانت های حقوق فردی و آزادی های عمومی از مرزهای حقوق ملی فراتر رفت و جنبه حقوق فراملی و جهانشمول یافت. به طوری که در سال ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر رسید و از آن پس جامعه بین الملل خواهان آن است که اصول این اعلامیه جهانی راهنمای قانونگذاری های ملی کشورها و شیوه عملکرد فرمانروایان قرار گیرد و از سوی دولت ها محترم شمرده شود.

### اهم حقوق و آزادی های عمومی بشرح زیر است:

الف - آزادی عملکرد فردی شامل:

- حق حیات و آزادی تن
- امنیت
- آزادی و مصونیت مسکن
- تعرض ناپذیری مکاتبات
- آزادی رفت و آمد

ب- آزادی اندیشه شامل :

- آزادی عقیده و آئین
- آزادی بیان
- آزادی آموزش و پرورش
- آزادی اخبار و اطلاعات
- آزادی نمایش

ج- آزادی گرد همایی شامل:

- آزادی تجمعات موقتی
- آزادی سازمان پیوندی

د- آزادی های اقتصادی و اجتماعی

- حق مالکیت
- آزادی بازرگانی و صنعتی
- آزادی کار و فعالیت و در نهایت - آزادی سندیکایی